

ناحیه زیاده نیست و کثرت خرابی بیل های برود خانه کو کچه عابقی دیگری تولید
 یا کرده است. تبس : اقسام مقتضی بعمل آورد - یا مورد تعقیب قرار داد با اطلاع
 همان طور است که پنجشیر در دامنه های جنوب هندو کش معتمد است موازی آن
 در شمال سلسله کوه مذکور دره سرسبز اندراب افتاده که نسبت به پنجشیر به
 مراتب فراخ تر است و یک سلسله دره های تنگ تر و فرعی که در زیبایی های
 قدرتی و لطافت آب و هوا و بدایع مناظر طبیعی بی مانند میباشدند از دهن گل باغ
 تا کوتل خاواک حدبه حد این دو دره بزرگ را در دو پهلو ی هندو کش بهم وصل
 کرده است عبارت دیگر از جمله ۲۱ کوتل هندو کش که بین کوتل انجمن
 و دندان شکن افتاده ۸-۹ کوتل آنها از حصص علیا و وسطی و سفلی دره پنجشیر
 راه دارد و به این ترتیب چندین دروازه هندو کش به دره پنجشیر کشاده میباشد
 و منتهی آیه پنجشیر سفلی را که بسیار بجاویه موقع (در بند) و (دالان سنگ)
 می و بند میباشد. ان دالان به داخل مرگیزی هندو کش خوانند. این کوتل ها از بالاترین
 دره قرار آتی است :

- (۱) کوتل انجمن : از آخر دره پنجشیر از (پیربان) به حصه علیای دره
 انجمن و از اینجا به دره جرم بدخشان راه رفته است.
- (۲) خاواک : از حوالی قریب سر چشمه پنجشیر بطرف شمال دره تی جدا
 شده که منتهی به کوتل معروف خاواک میشود و آب هائی که از اینجا به استقامت
 شمال غربی جاری میشود بنام اندراب یاد شده و به اندراب میرود.
- (۳) نول باطول : از دره فرعی دیگر از مقام (سز آب) به اندراب میرود.
- (۴) زریه از دهکده (شفید چهر) بابان نزد دره فرعی است که به دره طول
 منتهی میگردد.
- (۵) از پنجشیر سفلی از علاقه (امرزا) که وودانگیلیس آنرا (مرزا) یاد کرده
 از دره های فرعی بطرف اندراب راه رفته و کوتل هائی هم دارد که عمومی برف
 اندارد ولی تنگ و دشوار گذار میباشد.
- (۶) بازارک : از دره و کوتل بازارک به خنجان اندراب راه رفته است.
- (۷) شپتال : از مدخل دره از حوالی گلپهار راهی به کشن آباد ۲۱ میلی
 خنجان منتهی میشود.

همین قسم از اول تا آخر دایره پنجشیر دره های فرعی دیگر حدبه حدبه طرف جنوب و جنوب شرق جدا شده و باین دایره راه های از پنجشیر به کوهستان و ریزه کوهستان و تجرو و آنکه و لغمان و نورستان ادامه دارد از آن جمله است راه کوتل (چهار) که از آخر دره از پریان به علاوه (پوشان) نورستان متمم می شود. هکذا از دره (اریب) از راه کوتل (شلدر) به نورستان رفت و آمد میشود. از دره از راه استافه که ن به دره (پچغان) تجرو و از دره (منجور) و (تلخه) و حصارک به نقاط مختلف ریزه کوهستان ارتباط اقامت می نماید. از نقطه نظر ارتباط و مرادده از میان همه این راهها راه کوتل اینچنین به دره جرم و راه کوتل (چهار) و (اریب) و (شلدر) به نورستان با تمام دشواری های آن قابل ملاحظه است زیرا رفتن به سائر نقاط ممتد کرده از حصه های دیگر و از راه های آسان تر هم عملی میشود و ای دره جرم بدخشان و نورستان کهنارم ترین حصص مملکت را تشکیل میدهند و این پنجشیر با اینکه کوتل های دشوار گذار دارد مستقیم ترین معبری است که کابلیسا (کوه دامن کوهستان) و کابل را بدانجاها وصل میکنند. معذالک بدخشی ها نسبت به نورستانی ها بیشتر به دره پنجشیر رفت و آمد دارند و علت اینهم واضح است زیرا دره پنجشیر مستقیم تر و بلندی راه بدخشان است حال آنکه نورستان از از طریق (اندی سین) (دره بیچ) و (دره پور) و دیگر گذرگاهها به دره معروف کهنارم بطور مستقیم و نورستان لغمان هم راه های جداگانه دارد.

رودخانه پنجشیر و آب های فرعی دیگر که از دره های راست و چپ بدان میریزند موسوعی است که مطالعه آن از نقطه نظر جغرافیه و تقسیمات آب اهمیت زیاد دارد. سرچشمه رودخانه پنجشیر نقطه ایست در کوتل الجمن که آنرا (ناوک) گویند و ۱۹۰ مایل دیگر حدبه حدبه آن بکج میشود که اسمای آنها قرار آتی است:

(۱) آب خاواک (۱۵۰ کیلومتر یا بیان تر از ناوک) (۲) آب اریب (۶ کیلومتر یا بیان تر از خاواک) (۳) آب نل باطول (۶ کیلومتر یا بیان تر از اریب)

حاجه زیاد نسبت و کثرت حرابی بل های رود خانه که کعبه عابق دیگری تواند
 (۴) آب و جوی (چهار و نیم کیلومتر و میان ترانچه طول) [۵] آب زریه [۳] کیلومتر
 پایتان تر از زریه [۶] آب مکنی در مقابل آب زریه از واحد چپ رود خانه
 پنجشیر یا از طرف جنوب می آید [۷] آب بشغرد که سر چشمه آن اندراب است
 ۷ کیلومتر پایتان تر از زریه و مکنی [۸] آب غوز و او سر چشمه آب زریه
 رودخانه حوضی است موسوم به حوض مهم خان (که فراز دره غوز و افتاده و حوض
 بزرگ و بسیار عمیقی است و تقریباً بیست کیلومتر طول آن است [۹] آب شابه
 سر چشمه آن از دوات است و آب نهایت صاف و گوارا و خوشتر است از آن دارد و در نقطه
 نهایت زریه آبجین دهکده [اکجول] و (دوتک) که از دهکده هفتاد و هفتاد است
 تقریباً چهار و نیم کیلومتر پایتان تر از آب (غوز و او رودخانه) پنجشیر می آید
 [۱۰] آب دره که از آستانه کلان دامنه های شمالی پیچمان بجز رودخانه چم میگذرد
 و یک کیلومتر پایتان تر از آن شابه به پنجشیر می آید که می شود [۱۱] آب آریانان ده
 هفدهم و هفولان این آب را از آریانان در [۱۲] آب دره رودی که در هلی جغرافیا
 حصه دوم کلمه [دیو] نوشته شده و بعد از وقت و جسته به معنی است که این
 نام و در این حوض پنجشیر هم این کلمه را (دیو) تلفظ میکنند که این
 میگویند در این صورت تلفظ کلمه این هم (آریانان) باشد و اسم مرا که از این سره [آریانان دیو]
 میشود چنانچه در حصه اولی دره پنجشیر دهکده ای به [آریانان] معروف است
 بهتر حال آب باران ده و شاید از بهترین آب های دره پنجشیر (محسوب میشوند)
 [۱۲] آب منجهور باوان که از اعمد اللہ میگذرد و در مقابل دره پنجشیر
 آب [آریانان دیو] از دامنه های جنوبی به پنجشیر وصل میشود [۱۳] آب تلخه
 که سر چشمه آنهم عبدالله حیرل است و یک کیلومتر از آریانان آب منجهور
 به پنجشیر میریزد [۱۴] آب دره کوش از انجا که سر چشمه میگیرد و یک
 متر پایتان تر از آب تلخه به آب های پنجشیر می آید [۱۵] آب جوارک
 منبع آن عبدالله خیل میباشد و در نقطه مقابل دره کوش به مجرای عمومی (پنجشیر)
 وصل میگردد [۱۶] آب دره بیاوش از [آرزوی] اندراب سر چشمه میگیرد
 و در ده به پنجشیر (منتهی) میشود [۱۷] آب تاواخ از نقطه [زو] در اندراب سر چشمه
 گرفته و یک کیلومتر پایتان تر از آب بیاوش (به پنجشیر) می آید [۱۸] آب

آب دره سرچشمه آن بوالعین است و در مقابل آب تاواخ به پنجشیر بیکجا
میشود [۱۹] آب فراخ از بولغین سرچشمه میگردد و بیک کیلومتر پایان تر
از تاواخ به پنجشیر و اصل میشود .

مدین تریب رود خانه پنجشیر که با معاوین آن از آب های ۲۰ دره مختلف
تشکیل شده در گل بهار با رود خانه [شتل] بیکجا میشود و آب های مشترک
آنها با آب های سالتیک و غور بند در مقابل [برج عبدالله] بگرام بهم وصل
میشوند و همه در سر وی به رودخانه کابل می ریزند .

در این منطقه جبال هندو کش و رشته ها و شاخه های فرعی آن بکده در باچه ها
و با به اصلاح عوام حوض ها موجود است که زمین موقعیت آنها از نقطه نظر
جغرافیه و طبقات الارض و تقسیمات آب و قوه آب و دستان و فولکلور محلی
اهمیت زیاد دارد ولی اکثر اینها جزاهالی محلی دامان دره ها کسی دیگر
اندیشه است . معروفترین این دره باچه ها در باچه های سر فول پامیر [در باچه
وینکتوریا] و در باچه شیدا در شغنان است . گذشته از اینها که موقعیت شان
در نقشه های جغرافیای طبیعی ثبت شده بعضی های دیگری هم است که موقعیت
مبهمی به آنها داده اند از آن جمله بیکگی خوش [میم خان] است که در آخر
دره [غوزو] فراز کوه واقع و در باچه است لطیف و بزرگ . سطح آنرا در
زمستان فرسوخ میزند و در تابستان اطراف آن بیکار خوب آهو دارد آب آن
رودخانه غوزو را تشکیل میدهد که به پنجشیر می ریزد . این حوض در فولکلور
محلی داخل شده بعضی میگویند [میم خان] و [وکیل خان] دو تقریر ادر
بودند که در باچه بیکگی آنها تعلق داشت و دیگری در گردنه غوزو قلعه
مستحکمی داشت این داستان هم به این در باچه ارتباط دارد . میگوید بیدیک مولوی بود
و بیک قلندر هر دو کنار در باچه میم خان آمدند قلندر به مولوی گفت که
اینجا طلسم است دولت زیاد در نه آب های حوض میباشد و اگر دور استاده باشی
گوشه از طلسم را به تو نشان میدهم آنکاه قلندر سنگی در حوض انداخت .
سطح آب آهسته آهسته فروشت تا آب بیکگی خشک شدوزن زیبایی نمودار

گردید. زن چون قلندر را دید اشاره کرد که بیاد همینکه قلندر وارد دریاچه شد آب مجدداً ظاهر شده وزن و قلندر در میان امواج دریاچه ناپدید شدند.

حوض [لالان] یا دریاچه شاه در بابار حوض دیگر است فراز کوه در سمتی که دره هزاره آب آن طرف عبدالله خیل جانب پنجشیر می آید از طرف تجرهم به این دریاچه راه است. در نقطه‌ئی موسوم به سرآب به ۹ کیلو متری کوتل خاوک حوضی است که آب گرم دارد ولی بحساب دریاچه‌های کوهی آمده نمیتواند. دریاچه‌های فراز کوهادر دوره‌هایی که آئین به دائی در افغانستان رواج داشت در افسانه‌ها و داستان‌ها در حالت زیاد داشت و بسکری ازین دریاچه‌ها است که موقعیت آنرا زائر بنی هیوان آتشی که در زرا به شمال غربی بگرام بالای کوه‌ها نهشته محلی بود که شاه ماران آبی دران زندگانی داشت و در اثر آبدی معبدی دریای کوه میدان او و کنیشتکای کوشانی مقابله‌هایی رخ داد. داستان مذکور در رساله بگرام و در جلد دوم تاریخ افغانستان گرفته شده است. از نقطه نظر نام میان (دریاچه شاه دریا باو) و دریاچه‌ئی که [شاه ماران آبی] دران زندگانی داشت قرابت نزدیک است. سمت آنرا از بگرام که آن بسکیرم عوض [شمال غرب] شمال شرق می آید.

دره پنجشیر از در بند نایریان از نقطه نظر تقسیمات اداری دارای حکومتی دریاچه سوم است که مرکز آن [رخه] میباشد و از - و دو علاقه داری دارد که مرکز یکی آن در دهکده [زنی] مرکز دیگری در [وره] میباشد آبدی‌های دره پنجشیر یک عدد دهکده‌هایی تقسیم شده که بیشتر در دامنه‌های دو طرف کوه و در اراضی مرتبه دار دو طرف سواحل رودخانه قرار دارند و عموماً اطراف آنها را باغچه‌های توت و ناکستان‌های کوچک فرا گرفته و چوبهارهایی که از دره‌های فرعی جدا شده از قرب وجوار خانه‌ها می‌گذرد. بعضی از دهکده‌ها در کمرهای کوه فراز غندی‌ها و تپه‌ها متسکی به شیب اطراف دره آباد شده مانند دهکده [چارو] که از دهات [امروز] است و جزه مسرب و طانت علاقه داری [زنی] میباشد و دیوارهای بلند دریاچه‌های کوچک و سفید آن در میان لکه‌های سبز درختان جلوه خاصی دارد.

در دره پنجشیر تا [غوزو] و [استبق] که ما به دیدن آن موفق شدیم تمرکز آبادی ، انبساط زراعت زیبایی های طبیعی ، تنگی و فراخی درم فرقا میکند . قسمت های اولی دره پنجشیر طور بسکه از نام آن [دربند] و [دالان سنگ] استنباط میشود تنگ است . بعدتر اگر چه فراخ میشود خشک است و آبادی ندارد . دهکده های اولی قشنگی ندارد و به تدریج کمیزات آبادی های مخصوصه درم نمودار شده میرود . از آغاز دره دهکده ها را با انبساط آنها بیست مرکز بزرگتر عمرای بلاداری اسم می بریم و متذکر میشویم که ثبت اسمای دهکده ها علاوه بر اهمیت جغرافیائی محلی از نظر ادبیات و تاریخ و فولکلور اهمیت بسزائی دارد . این دهکده ها از مدخل دره رخ به بالا قرار آتی است :

طرف راست رودخانه :

[۱] کورا به [۱] زمان کور ، [۳] ملعه میران شاه [۴] انانوه [۵] تواخ

طرف چپ سواحل رودخانه : [۶] فراج [۷] در بند [۸] قلعه چه .

دهکده های آب دره : [۱] برج خیل [۲] بارشار [۳] کر [شاید عسکر

ماخذ تاریخ باشد] [۴] غلبک [۵] کهنه [۶] کهنه کو [۷] شوفه .

رخه و توابع آن : رخه فراج ترین منطقه دره پنجشیر است . دهکده

دهکده های قشنگ در میان باغها و کشتزارها و تاکستانهای زیبا افتاده . در

بازار کوچک آن انواع محصولات حتی پارچه ها و اشیای ساخته و بافته دره

های بدخشان هم پیدا میشود . رخه و توابع آن در حدود بیست دهکده را در

دارد بر میگردد که اسمای آنها قرار آتی است :

[۱] دشتک [۲] او کوك [۳] استی چه [۴] سپیاب [۵] درخیل [۶] غجی

[۷] قریه خجه [خواجه] [۸] قابدان [۹] کولستان [۱۰] ششکان

[۱۱] بای چنار [۱۲] بهرام خیل [۱۳] بخش خیل [۱۴] بیاروش [۳۰۰ خانه]

[۱۵] شمال ورزه [۱۶] شیخان [۱۷] قریه سه نصت [۴۰۰ خانیه]

[۱۸] کداره [۱۹] شغه [۲۰]

دهکده های بازارک :

[۱] مرستان [۳۰۰ خانه] [۲] نول آره [۳] فروبل [۴] باغ سرخ [۵] نلحه

مجموعه دهکده های آریانا عبارتند از: [۱] بستان، [۲] زلف، [۳] شادمان، [۴] ...

[بهضم بت] [۶] هاله [۷] منجه در [۸] بادقوول [۹] آورو [۱۰] پاراخ

[۱۱] خالیز [۱۲] رحمن خیر [۱۳] بازار ک خاص [۱۴] ده اخیل [۱۵] تله کان

[۱۶] ساتا [۱۷] کندی کووت [۱۸] کروانش [۱۹] قلات [۲۰] شنکار

[۲۱] قلترزی (۲۲) گوهران [۲۳] دولابه [۲۴] جنکک [۲۵] نور ولیچ

[۲۶] مل اندیمه [۲۷] آستانه [۲۸] سنگونه [۲۹] بازار ک ...

دهکده های دره مربوطه علاقه داری دره: (۱) تمبینه (۲) علیسه [۳] بوزره و ...

[۴] دره آسیا [۵] قلعه ترخه [۶] کرمان [۷] برنگران [شاید متصل آن ...

مسگران بوده باشد؟ [۸] قلعه [۹] تنجو [۱۰] عبدالله خیل ...

دهکده های دره هزاره: [۱] باب علی (۲) جیر علی [۳] دوست علمی

[۴] گلاب خیل [۵] اراندو [۶] قلعه نری [۷] آستانه کلان [۸] نورستان

سفلی متصل است ...

دهکده های علاقه داری زنی: از دو آب تا [جمار] که آخرین دره پربان است

تمام قسمت علیای دره پنجشیر از نقطه نظر اداری جزء علاقه داری [زنی] محسوب

ولی دهکده ها را را نظریه نمرگز و قرابت آنها به یکدیگر به سه دسته ذیل

میتوان تقسیم نمود (۱) دهکده های مرکزی [۲] دهکده های زنی امره که علاقه

داری (اگر چه خود دهکده های هم جزو امره است) [۳] دهکده های پربان ...

الف: دهکده های امره: (۱) دو آب (۲) کلسداره (۳) چارو (۴) ده

(۵) کجول (۶) دشتک (۷) راعتک (۸) زای (۹) ...

ب: دهکده های زنی: (۱) غوزو (۲) کردنه (۳) یشفور (۴) خارو (۵) رحمن (سر رحمن

محل است موسوم به رخ و گویند درای خرابه ها میباشد) (۶) خلیج (۷) منجه دار

(۸) یارات (۹) ... (۱۰) سفید چهر (۱۱) غونجو (۱۲) ملکینی (۱۳) دشت زیوت

(۱۴) خواک (۱۵) تان (یا طول) ...

ج: دهکده های پربان مربوط علاقه داری زنی: (۱) شانیز (۲) آکوشور

(۳) قلعه (۴) ناره دانه (۵) ده پربان (۶) کوش جان (۷) جیشته

(۸) شاربلسند (۹) شارکچه (۱۰) دلدل دوان (۱۱) ...

کابل کوه (۱۲) عقیب (۱۳) کریمتو (۱۴) پس مزار (۱۵) پیر گذر (۱) چمار

دره پنجشیر از نقطه نظر تعداد دهکده ها و امر کثرت جمعیت، یکی از بهترین
 راههای حکمت مت کتلان شمالی است. اهالی پنجشیر بیشتر سفید چهره و اکثراً
 موهای خرمائی و چشمان آبی دارند. و بزبان فارسی تکلم میکنند از نقطه نظر
 علایم فارقه چهره و بدن بابا شند گمان ساگر دره های سمت شمالی فرق دارند.
 خانه و منازل ایشان و نمازسنگ های پارچه و کابل ساخته شده و در مواردی که
 به سخت ضرورت می افتد، خشت های بزرگ خام استعمال میکنند. کلمکین
 های اطراف های آنها عموماً کوچک و چوکات دروازه ها اکثراً منبت کاری
 میباشد. اطراف چوکات کلمکین هارا عموماً سفید میکنند و در بسیاری موارد
 به دو طرف دروازه های خوبلی ها دو سکویا (سفه) دیده میشود. حین مراجعت از
 اشتیاق اتفاقاً در سواحل چپ رودخانه از میان دهکده (راغک) پیاده عبور کردیم.
 این دهکده در پست و بلندی مرتبه ها میان مجرای خروشان رود خانه و دامنه
 قشنگ کوه نهایت زیبایی دارد. در آبادی و عمران خانه ها ذوق خوبی بخرج
 داده شد و با مواد و مصالح محلی اشیانه های قشنگی ساخته اند که در چندین محل
 بی اختیار ایستاده شده و در اثر دعوت بکنفر ریش سفید داخل یکی از سراچه های
 دهکده را که زیر برگ و خوشه های انگور استوار بوده و با کلدان های کابل
 زینت یافته بود مشاهده کردیم و به بلیقه و خلق کردیم آن ریش سفید
 نیمه کوسیرت و صورت آفرین کفیم پنجشیر آب و هوای نهایت گوارا و دلخواه
 دارد در تابستان سرد و در زمستان چون باد ندارد خیلی گرم است. نظر بشه
 اختلاف ارتفاع پنجشیر علیا سرد تر است. اهالی جز چند ماه زمستان بقیه
 ماه های سال را در هوای آزاد در زیر درخت های باغچه های اطراف دهکده ها
 و بنا بالان در قله های کوه ها در بیلاق های تابستانی خود میگذرانند و مانند خوشه های
 انگور که بیک تناسب معین سایه و آفتاب بکار دارد همانطور در سایه و روشنی
 تحت برگ های شاخسار درختان زندگانی میکنند. پنجشیری ها مردمان
 بناشاط و بشاش اند. در آواز خواندن و ترنم و قوسک و اتن و رقص میل
 و فرارند. مهمترین آله موسیقی آنها دایره است شعرا در میان ایشان زیاد است

و در ساختن غزل‌های عامیانه عشقی ماهر اند. تنها، تنها و دسته جمعی میخوانند و اشعاری در مدح زیبایی‌های طبیعی دره و حسن و جمال و فضائل اخلاقی خویش ساخته‌اند و میخوانند و از «در بند تا بر بیان» (۱) همه و هر چیز را می‌ستایند پنجشیری‌ها در زمانه‌های قدیم حتماً از نقطه نظر لباس‌چیزهای ممیزه و مخصوصی داشته‌اند که در اثر رفت و آمد زیاد با بابل و تماس با اهالی همجوار مخصوصاً کوهستانی‌ها و کوه‌رامنی‌ها از میان رفته و تنها پارچه لباس مخصوص آنها (برز و) است که پارچه آن عموماً از موی زبیدست خود آنها بافته میشود و رنگ آنهم سیاه است و مانند پطلون طوری پوشیده میشود که دامن پیراهن داخل آن باشد نظیر چوبی و کلاه‌های نازک نخی سفید هم می‌پوشند.

بیشتر گفتیم که اهالی پنجشیر در ایام گرمی به قله‌های کوه‌ها در ییلاق میبرایند بهترین مقرتابستانی آنها: چهل دختران، کلا، قلی، اوتا کنندی، خشکه کشر کفنده، غرنام دارد در نقطه اخیر الذکر زیارتی است موسوم به خواجه چرخالی ولی



شبهه نمی‌نست که کلمه پنجشیر که امروز در مورده تمام دره (از در بند تا بر بیان) استعمال میکنند در آثار عموم جغرافیه و بسان و مورخین عرب و ماخذ فارسی قرون وسطی بصورت (پنجشیر) یا (پنجشیر) ضبط شده و این کلمه احم خاص آنها بک تنها بوده که موضوع تعیین موقعیت و دیگر ملاحظات تاریخی را به مقاله دیگر میگذاریم و اینجا قدری در اطراف تخیلات عوام صحبت میکنیم.

امروز مردم پنجشیر عموماً به این عقیده هستند که پنجشیر قبل از ظهور غزنویان (کچکن) یا (کچکنه) خوانده میشود. در دوره سلطنت سلطان محمود غزنوی موفعیکه بنام معروف «سلطان» را آباد میکردند اهالی را از دور و نزدیک بران کار جمع می نمودند و کسان سلطان بدره پنجشیر هم برای جلب نفری آمده بودند. مردم پنجشیر جمع نشدند و نرفتند فقط از میان خود پنج نفر نماینده فرستادند چون ایشانرا کنار بند رسیدند سلطان فرمود که چرا باقی اهالی نیامدند این پنج نفر عرض کردند که چون منظور سلطان کار است از روی ما پنج نفر کار بسیار میشود و انگاه بیل و کلنگ گرفته و واقعاً بصورت

یعنی از اول تا آخر دره پنجشیر.

حیرت آوری کار کردند ویر گنه های نزر کب احجار را میکنند و در نتیجه که سلطان فرمود که اینها مانند (پنج شیر) هستند و مانند شیران متهورانه کار میکنند. سپس این نام شهرت یافت و دره (کچکن) من بعد به (پنجشیر) وباشند گمان آن به پنجشیری معروف شدند. این پنج نفر بعد از انجام کارهای محوله به دره خویش برگشتند و در آغاز دره میان خود عهد بستند که در موارد مشکل همیشه جمع شوند و به مشورت هم کار کنند. ایشان در نزد عوام به پنج پیران پنجشیر شهرت دارند و آرامگاههای ایشان زیارتگاه تمام اهالی است اسامی پنج پیران و مدفن آنها قرار آتی است: (۱) خواجه ابراهیم در در بند (۲) خواجه صفادر دو آب (۳) خواجه کدل ولی در تل (باطول) (۴) خواجه عارف در ارب (۵) خواجه احمد بشارا در آستانه کلان

پنجشیر از نظر سیاحت (توریسم) آینده بسیار درخشان دارد. فراریکه در اوائل این مقاله نوشتیم این دره زیبا از نقطه آب و هوا مناظر بدیع طبیعی آبهای خروشان و شفاف، کوه گردی و شکار آهو و کبک و کبک زری آبهای معدنی، احجار و طبیعت الارضی، غنل در حوالی کابل نظیر ندارد و دهمده های قشنگ آن برای گذرانیدن ایام تفریح و خستگی مناسب است. تنها چیزی که بیشتر توجه طایب است و اهالی هم خیلی در آرزوی آن هستند اسلخ سرك موجوده و امتداد آن تا آخر دره استی نامنتها الیه بر بیان میباشد عجلتاً موثرهای لاری تا آستانه جیب قدری دورتر تاده کرده بهارک میر و دولتی معمولاً سرك موثر و تا (مل اسپه) دو کیلو متر آستانه خوب است و پیش از آستانه سر بلندی است که موثر نیز رفتار حاج هیئت جفر بات ازان بلا شده نتوانست و اگر از ذهن دره ازان سالان سنک و در بند حساب کنیم تقریباً نصف دره پنجشیر موثر و شده و نصف دیگر آن باقی مانده از روی بک قسمتی که از (مل اسپه) یا (استیق) پیاده و به سواری اسب طی نمودیم معلوم میشود که امتداد دادن سرك استکالی ندارد. امتداد سرك پنجشیر تا پیر بیان و بلی که تل و انجمن رامحس بک آرزوی سیر و سیاحت نیست بلکه از نقطه نظر ارتباط کابل به ولایت بدخشان و لو کابل هم نباشد اهمیت زیاد دارد همین قسم در راه مراد کابل بانورستان و اندراب و غیره سهیلات زیاد فراهم میکنند. احمد علی کهزاده